

## تحلیل

آیا اروپا می تواند جلوی جنگ احتمالی

آمریکا و چین را بگیرد؟

### اختلاف دیدگاه کشورهای بزرگ

### قاره سبز با واشنگتن

استراتژیست‌تها در حال حاضر در تلاش هستند از تاریخ درس بگیرند و رویکردی را ابداع کنند که ایالات متحده و چین را قادر می‌سازد بدون ایجاد یک درگیری فاجعه‌بار رسا یکدیگر رقابت کنند و شاید بهترین امید برای رسیدن به این نتیجه در اروپا باشد. کشورهای اروپایی در حال حاضر بر سر پیوستن به تحریم دیپلماتیک جو بایدن، رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا در بازی‌های المپیک زمستانی آتی در پکن، اختلاف نظر دارند. این اپیزود بار دیگر تأکید می‌کند که وقتی صحبت از چین می‌شود، اروپا و ایالات متحده واقعا اقیانوسی از هم جدا هستند. فراتر از اشتراک ارزش‌های سیاسی اساسی، ایالات متحده و اروپا اغلب از لفاظی‌های مشابهی در مورد چالش‌ی که چین برای نظم بین‌المللی ایجاد می‌کند استفاده می‌کنند اما با این وجود، اکثر دولت‌های اروپایی نمی‌توانند منافع خود را با دیدگاه ائتلافی از دموکراسی‌ها به رهبری ایالات متحده که در مقابل حکومت‌های استبدادی جهان ایستادگی می‌کنند، تطبیق دهند. در حالی که اتحادیه اروپا می‌خواهد همکاری‌های فرا ائتلافیتی را تعمیق بخشد، هیچ اتفاق نظری در مورد چگونگی انجام این کار بدون بیگانه کردن چین یا تضعیف نظام بین‌المللی که قصد دفاع از آن را دارد، وجود ندارد. همچنین دولت‌های اروپایی در مورد اعتماد آمریکا به عنوان یک شریک، متقاعد نشده‌اند.

جو بایدن ممکن است برای روابط ترانس ائتلافیتیک ارزش قائل شود، اما سلف او، دونالد ترامپ، این کار را نکرد؛ چه کسی می‌تواند بگوید رئیس جمهوری بعدی ایالات متحده – احتمالاً خود ترامپ – چه تصمیمی خواهد گرفت! این تردید یک انگیزه کلیدی در پشت تلاش اتحادیه اروپا برای عملیاتی کردن چشم‌انداز خود از «استقلال استراتژیک» است.

مطمئناً، زمینه برای همکاری فرا ائتلافیتیک در چین وجود دارد؛ در واقع، تلاش‌ها برای پیشبرد چنین همکاری‌هایی در قالب طرح‌هایی مانند گفت‌وگوی ایالات متحده و اتحادیه اروپا در باره چین و شورای تجارت و فناوری ایالات متحده و اتحادیه به اروپا در حال انجام است. اگر چه باید اقدام مشترک برای مقابله با ششیوه‌های تجاری و ضد رقابتی چین، محدودیت‌های صادراتی و سرمایه‌گذاری در واکنش به نقض حقوق بشر چین و فشار برای استانداردهای بالا برای پروژه‌های زیربنایی خارج از کشور باید مورد استقبال قرار گیرد اما دستور کار فعلی ایالات متحده و اتحادیه اروپا در مورد چین ممکن است بیش از حد جادطلابانه باشد.

برای به حد اکثر رساندن مزایای هماهنگی، اولویت‌بندی واضح‌تری لازم است. علاوه بر این، سیستم‌های حقوقی متفاوت و برداشت‌های تهدید در ایالات متحده و اروپا باعث نپشرفت در زمینه‌های کلیدی –مانند مالیات کربن، سیاست ضد انحصار یا پاسخ به کمپین‌های اطلاعات نادرست چینی – به طرز درناکی کند خواهد شد. چشم‌انداز همکاری‌های نظامسی و امنیتی در برابر چین بسیار محدود است؛ اگرچه کشورهای اروپایی برخی حرکات نمادین را انجام داده‌اند –به عنوان مثال، کشتی جنگی آلمان اخیراً حق عبور آزادانه در دریای چین جنوبی را به نمایش گذاشته است. این امر حتی برای فرانسه، تنها کشور اروپایی با حضور نظامسی قابل توجه در اقیانوس هند و اقیانوس آرام نیز صادق است. همان‌طور که ژان ایو لودریق، وزیر امور خارجه فرانسه اخیراً توضیح داد، «ما دوستم را چنین را که نیاز به ارزیابی مستمر دارد هستیم کم نمی‌گیریم، اما سعی می‌کنیم از نظامی‌سازی استراتژی خود برای مقابله با آن جلوگیری کنیم.» این عدم تعادل به اتخاذ موضع سخت در قبال چین همچنان ادامه خواهد داشت. در حالی که انتظار می‌رفت دولت جدید آلمان تا حدودی لحن محکم‌تری اتخاذ کند، اولاف شولز، صدراعظم، مواضع محتاطانه‌ای اتخاذ کرده است و روشن می‌کند که همه اقدامات باید «به دقت سنجیده شوند» و بر نیاز به جستجوی یک رویکرد مشارکتی تأکید می‌کند. بنابراین، ایالات متحده نباید انتظار داشته باشد که آلمان به این زودی‌ها روابط با چین را از درجه ایدئولوژیک نگاه کند. به نظر می‌رسد همکاری ترانس ائتلافیتیک تنها راهی است که اروپا می‌تواند بر روابط ایالات متحده و چین تأثیر بگذارد و خطر ا نباشی از وخامت سریع آن را کاهش دهد. استراتژیست‌ها در حال حاضر در تلاش هستند تا از تاریخ درس بگیرند و رویکردی را ابداع کنند که دو طرف را قادر می‌سازد بدون فاجعه و درگیری مسلحانه، رقابت کنند. اروپا می‌تواند در اینجا کمک کند. اتحادیه اروپا باید راه‌اندازی یک ابتکار دیپلماتیک را که یادآور فرآیند هلسنیک است، مد نظر قرار دهد که باعث کاهش تنش بین شوروی و بلوک غرب در دهه ۱۹۷۰ شد. از طریق چنین فرآیندی، اروپا می‌تواند توافق‌هایی را برای ارتقای تنش‌زدایی، کاهش ریسک و مدیریت بحران میانجی‌گری کند و در نتیجه احتمال درگیری‌های مسلحانه را کاهش دهد. اتحادیه اروپا می‌تواند در موقعیت بهتری برای میانجی‌گری در مسائل پیچیده‌ای مانند تایوان و دریای چین جنوبی عمل کند. حتی ممکن است بتواند دیپلماسی سازنده را در حوزه سایبری و فضای بیرونی ترویج کند. در این زمینه‌ها، نیروهای آمریکایی و چینی به طور منظم در مجاورت هم عمل می‌کنند و یک اشتباه محاسباتی می‌تواند به جنگ منجر شود.

**دیپلماسی ایرانی**

## برگزاری دومین سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی در استکهلم

**ایرنا:** به مناسبت فرارسیدن دومین سالگرد شهادت شهید حاج قاسم سلیمانی، به همت رابزنی فرهنگی و سفارت ایران در استکهلم، مراسم ویژه‌ای با حضور علاقه‌مندان وی بر گزار شد. در این مراسم مسعود حسین‌چاری که در حال حاضر استاد دانشگاه شیراز و در دوران دفاع مقدس از فرماندهان لشکر فاطمه و دوست نزدیک شهید سلیمانی است، به ذکر خاطرات خود با آن شهید سرافراز در دوران دفاع مقدس و نیز تحلیل خلیقیات و مکتب و منش حاج قاسم پرداخت.

وی حاج قاسم را نمونه‌اعلای ایثارگری و فداکاری معرفی کرد و با ذکر خاطراتی نافذ و اثرگذار، روش و منش ایشان را در تعامل با رزمندگان، همکاران، عموم مردم و حتی مخالفان، مبتنی بر اخلاق حسنه، از خودگذشتگی و تقید به مبانی و آداب دینی و اخلاقی بر شمرد.

# سفر

## ۲

سه‌شنبه ۱۴ دی ۱۴۰۰
سال سی‌ویکم | شماره ۳۰۳۰۶۷
۴ ژانویه ۱۲۰۲۲ | جمادی‌الثانی ۱۴۴۳

**رئیس‌جمهور در مراسم دومین سالگرد شهادت سردار سلیمانی**‏:

# مکتب سردار سلیمانی نه‌باترور از بین می‌رود نه‌باموشک



...

شجاعت داشت و هم عقلتانی.

رئیس‌جمهور در ادامه با بیان اینکه سردار سلیمانی بن‌بست‌شکن بود و هیچ مانعی را پیش روی خود به رسمیت نمی‌شمارد، اظهار کرد: حاج قاسم بصیرت داشت. دشمن تصور کرد روز ۱۳ دی روز پایان حاج قاسم است، اما زهی خیال باطل و این روز شش‌روز تولد دیگر حاج قاسم و تازمین، زمین است و زمان، زمان، عمر او ادامه خواهد داشت.

وی ادامه داد: می‌خواستند عاشورا پایان حسین(ع) باشد، اما عاشورا روز تولد کربلایین شد. رهبری درست فرمودند

که شهید سلیمانی بسیاری خاک‌ناتر از سردار سلیمانی خواهد بود. وصیت سردار سلیمانی به عنوان منشور انقلاب اسلامی باید در جامعه جلوه بیشتری یابد. او معتقد بود اگر این خیمه بماند همه حرم‌ها می‌ماند، اما اگر این خیمه آسیب

و همین نگاه دشمن را شکست داد. او هم

او دارای فرهنگ بود. او تخصص فتح سرزمین‌های اشغال شده را داشت، دارد. امیرالمؤمنین وقتی که مالک اشتر مهم‌تر از فتح سرزمین‌هاست. فتح دل‌ها، که او از یک وسعت وجودی برخوردار شد است که راهش، راه امیرالمؤمنین است. راه حاج قاسم هم ادامه راه امام خمینی و امام‌خامنه‌ای است. رئیس‌جمهور تصریح کرد: او با اهل صدق، اخلاص و مظلومان خدا بود. برای کارهای بزرگ فقط مشیت الهی می‌تواند کمک‌کننده باشد تا از هیچ چیز و هیچ کس هراس نداشته باشیم.

رمز موفقیت حاج قاسم هم همین مشیت الهی بود. او با علم به قدرت ظاهری آمریکا و هم‌پیمانانش، از عمق جان عقیده داشت آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند.

رئیس‌ی در ادامه با بیان اینکه او سردار و شخصیت نظامی بود، ولی نباید فقط به عنوان شخصیت نظامی دید، افزود:

### بزرگداشت

رهبر حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان:

### سلیمانی سپر مطمئن در برابر گروه ویرانگر داعش بود

رهبر حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان در دومین سالگرد ترور فرمانده سپاه قدس ایران گفت که او سپهر مطمئن در برابر گروه ویرانگر داعش بود.

محمد محقق رهبر حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان که در این روزها در ایران به سفر می‌برد، در دومین سالگرد ترور فرمانده سپاه قدس ایران از سوی آمریکا در پیامی نوشت که دو سال از حادثه غمبار شهادت مجاهد راه خدا سردار شهید قاسم سلیمانی فرمانده دلاور سپاه قدس ایران می‌گذرد و میلیون‌ها دل در فراغش غمگین است.

وی در ادامه نوشت: او که به عنوان سپهر مطمئن در برابر تهاجم دشمنان اسلام و گروه ویرانگر داعش و افراطی‌گرایی بود خلأ ناشی از فقدان ایشان در جهان اسلام محسوس است.

وی افزوده است که سالگرد این مصیبت عظمی را به ملت و کشور برادر ایران خصوصاً رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌اله العظمی خامنه‌ای و خانواده محترمشان تسلیت می‌گویم. در پایان پیام رهبر حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان آمده است: سردار شهید برای ملت افغانستان در برابر افراط‌گرایی همکار و برای من برادر عزیز و صمیمی بود. خدایش رحمت کند. خداوند قاتلان و تصمیم‌گیرندگان این ترور ناجوانمردانه را که خلاف همه معیارهای جهانی انجام شد لعنت کند و در دنیا و آخرت ذلیل و رو سپاه گرداند و مطمئن هستم که انتقام الهی حق است.

## زینب سلیمانی: حاج قاسم در دل مردم زنده است

**ایسنا:** فرزند شهید سلیمانی گفت: دشمنان هر دروغی که بگویند و هر دسیسه‌ای که بیافند مردم سرباز خود را می‌شناسند و حاج قاسم هنوز در دل مردم ایران زنده است.

زینب سلیمانی طی سخنانی در مراسم دومین سالگرد شهادت سردار سلیمانی با بیان اینکه حاج قاسم در قلب‌ها زنده است، گفت: آن دشمنی که فکر می‌کرد اگر حاج قاسم را به شهادت برساند، کلام، تأثیر و نفوذ حاج قاسم خاموش می‌شود امروز با دیدن این حضور مردم می‌فهمد که چه غلطی کرده است.

وی افزود: حاج قاسم در کنار مردم ایران هنوز حاضر و ناظر است. حاج قاسم خودش و زندگی‌اش را فدای مردم ایران کرد و این می‌شود جواب مردم ایران که چنین در مراسم او حاضر می‌شوند.

## سیاست NasleFarda.net

naslefordanews

nasfarda

### سرمقاله

**ادامه از صفحه یک...**

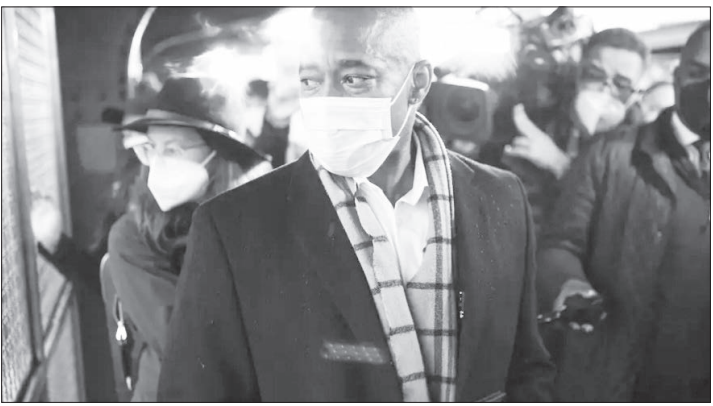
دیگری را مقصر می‌دانند. پس منطقی و عقلانی نیست که دولتی مانند رئیسی روی کار بیاید، اما تیمم مذاکره‌کننده‌ای مانند دولت روحانی شامل ظریف، عراقچی، روانچی و هر کس دیگری مذاکرات را پی بگیرد. ضمن اینکه سنت سیاسی در داخل ایران و هر کشوری نشان می‌دهد با تغییر دولت‌ها بیشتر از گمان‌ها، نهادها، سازمان‌ها مطابق با نگاه و خواست دولت جدید تغییر پیدا می‌کند تا یک همگنی سیاسی و وحدت‌رویه به شکل بگیرد. این مسئله خصوصاً در حوزه امنیتی و سیاست خارجی نمود بیشتری پیدا می‌کند. گفتنی است؛ تیم دولت رئیسی اعم از وزیر خارجه او و معاون سیاسی‌اش متعلق به جناحی هستند که اگر مخالف برجام نبودند، نست کم جزو موافقان نیز حساب نمی‌شدند اما چون دولت قبل برجام را امضا کرده بود، خود را ملزم به انجام تعهدات خود می‌داند و در صورتی که مطمئن شوند طرف مقابل به تعهدات خود عمل می‌کند برجام را اجرا خواهند کرد. در این راستا با توجه به اینکه آقای عراقچی به نوعی یک احساس یا علاقه شخصی به برجام داشت تصمیم بر آن گرفته شد تا فردی مسئولیت ادامه روند گفت‌وگوها و مذاکرات را در دست بگیرد که آن علقه شخصی را به برجام نداشته باشد. البته آقای عراقچی به عنوان مشاور وزیر امور خارجه ایفا شده‌اند و بر اساس ساختار اداری و وی‌هنوز پستی هم سطح معاون دار و پیشینگی می‌شود در صورتی که قرار باشد گفت‌وگوهای جدیدی بر گزار شود آقای عراقچی هم به عنوان عضو تیم مذاکره‌کننده ایرانی باشد تا بتوان از تجربیات ارزشمندی وی استفاده کرد.

**مذاکره‌کنندگان، مجریان سیاست‌های حاکمیت هستند**
باید گفت مذاکره‌کننده ۵۰ درصد ماجراست اما ۵۰درصد مهم‌تر مربوط می‌شود به رویکردهای مذاکراتی یعنی آن چیزی که در شورای عالی امنیت ملی تصمیم گرفته می‌شود و مذاکره‌کننده اساساً مجری آن سیاست‌هاست. بنابراین نقش مذاکره‌کننده این است که بتواند از منافع ایران دفاع کند، طرف مقابل را قانع کند و بتواند اشکالات طرف مقابل را به او بگوید. در نتیجه نقش مذاکره‌کننده این است که در یک فن مذاکراتی با تبحر کافی و زبان بین‌المللی آن هم بدان معنا که زبان حقوق بین‌الملل و زبان حاکم بر روابط بین‌الملل را خوب بشناسد. این‌ها ویژگی‌های مربوط به مذاکره‌کننده‌ها و تیم مذاکرات است. اما ۵۰درصد دیگر ماجرا باز می‌گردد به اینکه ایران چه وضعیت خود، منطقه و بین‌الملل چیست و در نهایت چه سیاستی را برای مذاکره انتخاب می‌کند. به نظر می‌رسد این مسائل مهم‌تر از این است که ببینیم چه کسی می‌خواهد مذاکره کند. در این راستا باید گفت اساساً فساساتی مانند برجام اگر چه

در دولت روحانی هم مورد انتقاد و هجمه این افراد بود، اما سندی بود که نهایتاً با چراغ سبزر رهبری در دستور کار قرار گرفت و اکنون هم احیای برجام و تعیین خطشی‌های مذاکره از یک نهاد بالادستی به دولت و تیم مذاکره‌کننده دیکته می‌شود و این افراد و دولت رئیسی موظفند علی‌رغم میل باطنی، آن را پی بگیرند نه بر اساس دیدگاه شخصی. پس دولت سیدابراهیم رئیسی، حسین امیرعبداللهیان، علی باقری کنی و هر فرد دیگری باید فشارغ از نگاه سیاسی خود، چه در دولت روحانی و چه در این دولت، روند مذاکرات و احیای برجام را مطابق با خواست و نظر حاکمیت پیش ببرند. اتفاقاً اگر دقت کنیم می‌بینیم که شدت توقف‌ها و بازگشت تیم مذاکره‌کننده دولت رئیسی به کشور بیشتر از تیم مذاکره‌کننده دولت روحانی است، چون این تیم با محوریت باقری‌کنی حساسیت بیشتری دارد که احیای برجام و روند مذاکرات مطابق با خواست حاکمیت پیش رود. پس مهم نیست که دولت رئیسی، امیرعبداللهیان، باقری‌کنی یا نمایندگان نسبت به برجام چه نظری دارند، مهم این است که حاکمیت بر اساس صلاحدید، مقرر کرده که این مذاکرات با هدف لغو تحریم‌ها در دستور کار قرار بگیرد و این حضرات هم موظفند آن را اجرا کنند.



قرار دادن خاکستر پیکر اسقف «ژمنوند توتو» از رهبران مبارزه با رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی در محراب کلیسای جامع «سنت جورج» در شهر «کیپ‌تاون» آفریقای جنوبی. منبع: **فرانس پرس**



متروگردی «اریک آدمز» شهردار جدید شهر نیویورک آمریکا در نخستین روز کاری. منبع: **آسوشیتدپرس**